

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران** ● صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصبری، پلاک ۲۲ ● تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ ●
نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ ●
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ ●
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴ ●
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ ●
چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۱ ● ۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ ● ۴ جولای ۲۰۲۲ ●
سال نوزدهم ● شماره ۴۳۱۹ ● ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ ● اذان مغرب ۲۰:۴۵
اذان صبح فردا ۴:۰۸ ● طلوع آفتاب ۵:۵۴

صبح

فریاد- مسعود کیمیایی - ۱۳۷۷

سهراب (محمدرضا فروتن): من رفتم سربازی که برم جنگ. بابام خرج کرد که من تهرون بومون. حتی برام پرونده ساخت. می فهمی، پرونده که بعدا همون پرونده باعث شد که من دانشگاه نرم. باباش حرف نزدم تا مریض شد. به شب گفت دانشگاه نرفتی بهتر از این بود که کشته بشی. خلاصه نذاشت من برم جنگ. آدم سرباز باشه، جنگ باشه، اما نره! روحمه ناخوش شد. همه با یک عقیده نمیرن جنگ، حتی اوایی که عقیده به جنگ ندارن. اما وقتی رفتن، صاحب به عقیده می شن. هر جوون... اول انقلاب به عقیده‌ای داشت، بازار عقیده‌های جورواجور بود. اما...

دیلوگ روز

فهرست شماره ۱۳۷۷

پیشینه توجه به نظام صنفی هنر در ایران

نخستین کام عملی در تدوین نظام صنفی با تدوین قانون نظام صنفی در مردادماه ۱۳۵۰ با تصویب مجلس شورای ملی آغاز شد. در این قانون برای اولین بار به تدوین اصول و چارچوب‌های نظام صنفی، واحد صنفی و اتحادیه‌های صنفی پرداخته شده است. پس از انقلاب شکوهمند اسلامی سال ۱۳۵۷ و استقرار نظام جمهوری اسلامی، تنظیم‌کنندگان قانون اساسی با هدف اجرای اهداف انقلاب در آزادی و حاکمیت مردم بر سرنوشتشان بر حضور مردم در تعیین سرنوشت‌شان تاکید کردند. این نگرش بیشتر در فصل سوم قانون اساسی اصول ۱۹ تا ۴۲ تجلی یافت، در تلاوم آن نگرش در آغاز دهه ۸۰ و در قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر ضرورت تشکیل نظام صنفی هنر تصریح شد. اگرچه این تکلیف قانونی با تغییر دولت دنبال نشد و مجلس نیز پیگیر اجرای این مصوبه نبود. مجددا در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر وپاساری امور هنرمندان با تشکیل نظام صنفی هنری توجه نشان داده شده است. از تازه‌ترین کوشش‌ها برای امکان مشارکت نمایندگان اصناف هنری در تعیین سرنوشت‌شان می‌توان به توافق‌نامه میان وزرای کار و رفاه اجتماعی و فرهنگ و ارشاد اسلامی در آبان ۱۳۹۸ که منجر به تنظیم دستورالعمل تشکیل و فعالیت انجمن‌های فرهنگی - هنری در ذیل تبصره پنج ماده صدموسی و یک قانون کار شد، اشاره کرد. کوشش پیش‌گفته اخیر اگرچه خلأ قانونی ناشی از نبود انجمن‌های صنفی هنری را تا حدودی جبران می‌کند اما با مقتضیات ناظر بر وزارت کار و رفاه اجتماعی از جمله بازتنشکعی، مناسبات شغلی کارگری و کارفرمایی متناسب با این بخش از نیروها و معاصر خلاق نیست، دادیه‌نامه بریتانیا، هنر را استفاده از توانایی و تخیل در خلق آثار زیبا، محیطی با تجاربی که می‌توان با دیگران به اشتراک گذاشت، تعریف کرده است. همچنین عده‌ای هنر را ابزاری برای به‌نمایش گذاشتن یک ایده ذهنی خاص به شمار آورده‌اند.

- در ادبیات ایرانی هنر به معنای مدیریت، دلبری و فضیلت اخلاقی به کار می‌رفته است:

- به دشمن نمایم هنر هر چه هست/ از مردی و پیروزی و زور دست
- چون غرض آمد هنر پوشیده شد/ صد حجاب از دل به سوی دیده شد
- با دانشی است فخر نه با ثروت و عقال/ تنها هنر تفاوت انسان و چهارپاست

در گذشته می‌کوشیدند هنرها را به دو بخش هنر زیبا و هنر کاربردی یا سودمند تقسیم کنند. هنر زیبا در خدمت هیچ مقصدوی جز زیبایی نیست اما هنر سودمند یا کاربردی علاوه بر زیبایی در خدمت مقصود دیگری است، نظیر نقوش سفالیه‌ها یا سفره قلمکارها، البته این گونه تقسیم‌بندی در چهار دهه اخیر منسوخ شده است. امروزه علاوه بر چیدمان، هنر ارضی، هنر نورپردازی، بدن‌پردازی، تکه‌چسبانی و… از مجموعه شناخته‌شده هنرهای تجسمی در اثر پیدایش و گسترش هنر رسانه‌های نو، هنرهایی چون دیجیتال‌آرت، ویدئوآرت، اینترآکتیوآرت، ورچوال‌آرت و… نیز به مجموعه هنرها افزوده‌اند. ایده عمدتا در ذهن هنرمند با الهام از حیات شکل می‌گیرد و در فرآیندی شخصی و گاه به کمک صنعتگران به عنینت تبدیل و خلق می‌شود. نقاشی، تصویرسازی، مجسمه‌سازی، عکاسی، گرافیک، پرفورمنس، چیدمان، ویدئوآرت، محیطی، هنر بدن و… از جمله رشته‌های هنرهای تجسمی است. همچنین با ملاحظه ویژگی‌های هنرهای تجسمی، هنر موسیقی، هنر نمایش، ادبیات و هنر سینما درمی‌یابیم که نحوه خلق ایده، مراحل اجرا و عنینت‌بخشی ایده به صورت فردی و گروهی با حضور تماشاگر با بی حضور آن با یکدیگر متفاوت و متمایز و مناسبات و تزاحمات بین آنها نیز مختلف است

گرچه در برخی از موارد دارای ویژگی‌هایی مشترک‌اند.

در اصل بیست‌وهشتم قانون اساسی آمده است: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست بگزیند». دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد کند. در قواعد و نظامات کنونی کشورمان، اشتغال در عرصه‌های صنعتی، کشاورزی و بازرگانی به این صورت است که شخص حقیقی یا حقوقی پس از احراز صلاحیت فنی (تخصص) توسط صنف مربوطه (و نه وزارتخانه یا دستگاه حاکمیتی) در چارچوب یکی از نظامات مهندسی، پزشکی، صنفی پروانه فعالیت دریافت کرده و مشاغل سود و چنانچه شخص دارای پروانه فعالیت (حقیقی/ حقوقی) در انجام خدمات و مسئولیت حرفه‌ای‌اش کوتاهی یا تخلفی انجام دهد به شکایت شاکی در نهادهای انتظامی نظام‌های صنفی پیش‌گفته رسدگی می‌شود. این امر یعنی اشتغال در سپهر فرهنگ و هنر بر خلاف نص صریح اصل بیست‌وهشتم میناق ملی از فعالان این بخش به نادرستی دریغ شده است.

برای تشریح این مهم گفتنی است که یک پزشک یا مهندس یا تعمیرکار یا فروشنده پس از احراز صلاحیت توسط صنفش و دریافت پروانه اشتغال برای انجام هر نوبت یا هر بخش از فرآیند شغلی‌اش نیازی به دریافت پروانه فعالیت مجدد ندارد. سوگمنده‌اند اما این رویه عقلانی حاکم بر فعالیت‌های مهندسی، پزشکی، صنفی یعنی ارزیابی و احراز یک بار صلاحیت فنی توسط صنف و رسیدگی به تخلفات و کوتاهی‌های حرفه‌ای توسط دادرس‌های انتظامی صنفی در بخش فعالیت و اشتغال در سپهر فرهنگ و هنر جاری نیست و مشاغلان هنر مجبورند برای هر بار فعالیت شغلی و عرضه محصول و خدماتشان از نهاد حکومتی مجوز دریافت کنند. این وضع ناخوشای از جایگزینی نگرش اشتغال به مثابه امتیاز حکومت به مردم در برابر اشتغال به مثابه حق خدادادی مردم در فعالیت‌های فرهنگی و هنری است. حال آنکه این نگرش برخلاف نص صریح قانون اساسی است. بر این اساس با تشکیل نظام صنفی هنر، این حق دربرخده از هنرمندان با احراز صلاحیت فنی توسط صنف استفا می‌شود. در این صورت هنرمندان پروانه فعالیت خود را همچون سایر فعالیت‌ها و مشاغل از نظام صنفی مربوطه دریافت کرده و با رعایت نظامات مندرج در آن به اشتغال می‌پردازند. یادآوری می‌کند با توجه به ویژگی‌های هر کدام از پنج دسته هنری موسیقی، سینما، نمایش، ادبیات و هنرهای تجسمی، تشکیل نظام‌های صنفی جداگانه منطقی تر است. همان‌گونه که این توجه به تفکیک نظام صنفی پزشکی، نظام صنفی پرستاری، نظام صنفی مهندسی عمران، نظام صنفی مهندسی کشاورزی، نظام صنفی رایانه‌ای با وجود شباهت و اشتراکات شغلی به علت تفاوت و تمایزات شکل‌گیری و مناسبات حقوقی‌شان به‌صورت جداگانه لحاظ و تشکیل شده است. پیش یا هم‌زمان با تصویب و اجراسد نظام صنفی هنر، پیوستن ایران به توافق‌نامه حمایت از آثار ادبی و هنری «بیمان یرن»، ضروری است و نه تنها موجب رعایت حقوق مالکانه آفرینشگران و مالکان آثار هنری و تثبیت‌کننده امنیت شغلی هنرمندان می‌شود بلکه موجب وپاساری امور مردم به خود مردم نیز خواهد شد.

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران** ● صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصبری، پلاک ۲۲ ● تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ ●
نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ ●
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ ●
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴ ●
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ ●
چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵



● **هشت جوان** هر آخر هفته دور هم جمع می‌شوند و خانه‌های تاریخی و قدیمی در محله دوجلان تهران را تمیزو رفت و روب می‌کنند تا مانع از تخریب بخشی از تاریخ محله‌های تهران شوند. عکس: حسن شبروانی/ايرنا

تخلیه بیمارستان نوستالژی پزشکان

بیمارستانی از قبل آماده‌شده‌ای وجود دارد، چرا زودتر از این به کار درمان نیامدند؟ آیا راهروهای شلوغ و تخت‌های ناکافی بیمارستان‌های آموزشی در دیدرس مسئولان نبودند؟ آیا این‌همه ساخت‌وسازهای ناچور در حیاط بیمارستان‌ها که فضای سبز و محیط بیمارستان‌های ما را آلوده کرده، بیماران و پزشکان را به بلای ابدی چکش و مته‌برقی و گردوخاک محکوم کرد کسی را به فکر نینداخت که از زمین‌های مرغوب کنار شهر که به برج‌های متعدد مسکونی اختصاص یافته‌اند و «مال»‌های متعددی که سرمایه‌های خصولتی بر پا کردند، زمین‌ی را برای احداث یک بیمارستان با استانداردهای مدرن در نظر بگیرند؟

جامعه پزشکی و دانشگاهی کشور و دستیاران پزشکی نه‌تنها باید تنگدستی اقتصادی بیمارستان‌ها در پرداخت حقوق و خرید دستگاه‌ها و تکنولوژی مدرن را تحمل کنند بلکه باید در فضایی بسیار تنگ و نامناسب، این مهم‌ترین سال‌های زندگی خود را بگذرانند و به خاطر بسیاریند و این در حالی است که دستیاران یعنی سنگ بنای این سیستم حتی از حداقل حقوق کار هم برخوردار نیستند.

اما اگر نیک بنگری و قدری تأمل کنی راه‌حل‌هایی هست. همه در یاد دارند و هرروز در بزرگراه می‌بینند ساختمان شبیه مغز را که به نام پروفوسور معروف ایرانی شناخته می‌شود اما سال‌هاست تحویل لشکر موریانه داده شده. آیا نمی‌توان این ساختمان را به یکی از دانشگاه‌های بزرگ پایتخت داد تا راه‌اندازی کنند؟ همه در یاد دارند مال بزرگی را که به سبک مریخ در غرب شهر ساخته شده است و چندی پیش یک تالار بزرگ که همراه تعداد زیادی تخت و تجهیزات را به درمان کووید ۱۹ تعارف کرد اما بعد هیچ خبری نشد. گویا صاحبان این بنای عظیم که برای هر قسم فعالیت یک‌سازه باشکوه دارد و کتابخانه نمایشی آن معروف‌ترین است، منتظر متروپل بودند تا به وعده خود عمل کنند. دیر نشده، تعارف آمد نیامد دارا د! و البته بسیاری مناطق دیگر که اگر صاحبان آنها به این باور برسند که بیمارستان‌ها بیماران را درمان می‌کنند و نقشش بیش از روغن بنفشه دارند، می‌توانند آن‌امکان را وقف بیمارستان هم بکنند.
بله مهم‌ترن نکته آن است که سیستم سلامت، پیچیدگی‌هایش، نیازمندی‌هایش و میزان نیاز به آن مورد ارزیابی صحیح قرار گیرد. همین.



● **بابک زمانی**

● **نورولوزیست**

بالاخره دستور تخلیه بیمارستان ما هم صادر شد. یکی از وزیده‌ترین مدیران در اداره سیستم‌های درمانی و آموزشی حالا مسئول تخلیه و احیانا تخریب شده است. تخلیه بیمارستانی که ده‌ها سال بهترین اوقات بسیاری از پزشکان و استادان را به خود اختصاص داد، آسان نیست. این تنها یک ساختمان نیست نوستالژی بزرگ پزشکان پرشماری است که دوره آموزشی خود را در آنجا گذرانده‌اند و حالا در اقصانقاط دنیا پراکنده شده‌اند. تجربه شب‌های کشیک، از بایونز تنگ ناهموار تا اوزنآنس‌های شلوغ و پردردسر دویدن، تا صبح بر بالین بیماری که شاید نمانند ماندن، یک شب ناگهان با ده‌ها کشته و مجروح روبه‌رو شدن، تا صبح خود را برای گزارش صبحگاهی به استادان خوب‌خوابیده آماده‌کردن همه‌ومه بخشی از پرنج‌ترین اوقات هر پزشکی است که باوجود دشواری طاقت‌فرسا سال‌های سال در هرکجا که باشد تا پایان عمر هر لحظه این زمان‌های گذشته را جست‌وجو خواهد کرد.

اینکه چرا ساختمان‌های چند دهه اخیر بیش از ساختمان‌های پیش از آن نیاز به تخلیه و مرمت دارند (حتی در مجموعه بیمارستانی ما) در حوصله این یادداشت نیست. به این موضوع نمی‌پردازم که چرا قبل از متروپل به کیفیت سازه‌ها واکنشی نشان داده نمی‌شد. درحرحال توجه به سازه‌های بیمارستانی که عمدتا در شهر تهران متعلق به ده‌ها سال پیش هستند، امر مثبتی است و فراتر از آن اختصاص هر بودجه‌ای به سلامت نشانه مثبتی است. نشانه آن است که جامعه آهسته‌آهسته دارد درمی‌یابد که به‌جز اراده پزشکان خیلی چیزهای دیگر در سلامت نقش دارند و اقتصاد سلامت معنائیش ویزیت پزشکان نیست. عوامل متعدد دیگری هم در کیفیت سلامت نقش دارند!

اما سؤال اینجاست تخلیه بیمارستان به کجا صورت می‌گیرد؟ اگر فضاهای **سایر خوانی ۶**

صیانت یک فرمان اجرایی است نه قانون

منجر به تحول در کمیّت و کیفیت کسب‌وکارها شده، راه را برای شرکت در رقابت‌های تنگ جهانی هموار می‌کند. عواملی نظیر قابلیت خوب اتصال به شبکه، اوضاع و احوال عمومی کسب‌وکار، پذیرش تجارت الکترونیکی از سوی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، وجود قوانین و مقررات مناسب و فراهم‌بودن زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین محورهای تعیین‌کننده گسترش تجارت الکترونیکی در کشور خواهد بود. کاربرد دیونتیگ‌لاجیک در تلقیف با فلسفه، هوش مصنوعی و استفاده از بلاک‌چین در خلق ربات-قضاتی‌که نه‌فقط نقض را تشخیص می‌دهند، بلکه قادرند استدلال کنند،کیفیت مدیریت شهری و فضای بین‌الملل و نظم اجتماعی را به‌طور اساسی منقلب خواهد کرد و نگرانی این است که همچون برخی کشورهای بسیار فقیر قبيله‌ای آفریقایی، حتی سواد استفاده از وسایل جدید زندگی و حمل‌ونقل شهری را نداشته باشیم.

کیمیاچه فکری و نظری مباحثی که هر هفته در این ستون چاپ شد، بین سال‌های (۱۳۷۱ تا ۱۳۸۴ تهیه شده است؛ یعنی زمانی که دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک کشور در هر سال راجع به یک عنوان در زمینه حکمرانی فضای سایبر تحقیق و پژوهشی تدارک می‌دید. این سنت نیکو بعد از روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد سریع متوقف و پژوهش همراه با خود پژوهشگر از نهاد دولتی به بیرون پرتاب شد و پژوهش در این زمینه -و تحقیقا در همه زمینه‌های علمی- به دور از مدیریت نهادهای تخصصی دولت، بر عهده محققان و پژوهشی تدارک می‌دید. این سنت نیکو بعد از روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد سریع متوقف و پژوهش همراه با خود پژوهشگر از نهاد دولتی به بیرون پرتاب شد و پژوهش در این زمینه -و تحقیقا در همه زمینه‌های علمی- به دور از مدیریت نهادهای تخصصی دولت، بر عهده محققان و پژوهشی تدارک می‌دید. این سنت نیکو بعد از روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد سریع متوقف و پژوهش همراه با خود پژوهشگر از نهاد دولتی به بیرون پرتاب شد و پژوهش در این زمینه -و تحقیقا در همه زمینه‌های علمی- به دور از مدیریت نهادهای تخصصی دولت، بر عهده محققان و پژوهشی تدارک می‌دید. این سنت نیکو بعد از روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد سریع متوقف و پژوهش همراه با خود پژوهشگر از نهاد دولتی به بیرون پرتاب شد و پژوهش در این زمینه -و تحقیقا در همه زمینه‌های علمی- به دور از مدیریت نهادهای تخصصی دولت، بر عهده محققان و پژوهشی تدارک می‌دید. این سنت نیکو بعد از روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد سریع متوقف و پژوهش همراه با خود پژوهشگر از نهاد دولتی به بیرون پرتاب شد و پژوهش در این زمینه -و تحقیقا در همه

● **وکیل دادگستری و پژوهشگر در حقوق توسعه**

هفت‌خوش

در جست‌وجوی هویت ایرانی

واژه‌ها بازنمایی‌کننده و ابزار اندیشه و شناخت به شمار می‌روند. برخی واژه‌ها نمایانگر مفهوم (پنداره) و برگرفته از بنیان‌هایی دیرپا و ریشه‌ای هستند. هویت(شناسه) یکی از آن مفهوم‌هایی است که در پی خود لایه‌ها یا دسته‌بندی‌هایی از جمله هویت فردی، کاری/ سازمانی، جنسیتی، خانواده/خویشاوندی، قومی و ملی را به همراه می‌آورد. ایران برای بیشتر مردم فقط یک واژه یا نام شناسا نیست بلکه ایران لایه‌ای فراگیر، ژرف، معنابخش و گاهی در غبار است. هنگامی که در پی ماجراهایی نام یک ورزشکار به مردم گره می‌خورد، نام او دیگر فقط شناسه فردی خودش نیست بلکه به بخشی از ساختار هویت ملی گره می‌خورد. چنان‌که خیرها گویای زمین‌لرزه‌ای ویرانگر در بخش‌های جنوبی کشور هستند، کشش و واکنش مردم سراسر کشور برخاسته از آن چیزی است که هویت ملی نام گرفته است. هویت یک مفهوم ایستا و خشک نیست بلکه در گذر زمان دگرگونی‌هایی دارد. باین‌همه هنگامی که از هویت ملی و هویت ایرانی سخن می‌گوییم، باید هم به پایه‌هایی بنیادی و هم برخی آسیب‌ها بپردازیم. در برخی دوره‌های تاریخی هویت ملی، ایران و ایرانی دچار کم‌توجهی، سستی و کاستی و آسیب‌هایی ناکاهانه یا برنامه‌ریزی‌شده و آگاهانه شده است. برخی باور دارند که نظام ارزش‌ها و باورها، اعتماد و سازگاری اجتماعی و پیشرفت و آبادانی کشورها به چگونگی هویت ملی، سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و جامعه‌پذیری وابسته است. ازاین‌رو آسیب به روند جامعه‌پذیری و هویت‌یابی می‌تواند پیامدهایی درازمدت و ویرانگر در پی داشته باشد.

درباره ایران، ایرانی، هویت ایران و دسته‌بندی‌های ملی‌گرایانه، نوشته‌های گوناگونی چاپ شده است. «هویت‌ایران» نوشته فخرالدین عظیمی در دوران خانه‌نشینی کووید ۱۹ به پایان رسید و نشر آگاه آن را در سال ۱۳۹۹ و در ۴۰۰ صفحه چاپ کرد. چنان که از نام این نوشته برمی‌آید، کانون سخن نویسنده چیستی «ایران» و چگونگی «ایرانی» بوده و نوشته از سرفاز و درآمد تا کتاب‌نامه و نمایه دربردارنده ۹ گفتار (فصل) است. عظیمی با پرسشی درباره چرایی در اندیشه مویهن بودن و آفسون زادبوم سخن آغاز می‌کند. او آگاهی، دانستن و اندیشیدن را زمینه‌ساز پیوندهای عاطفی همدلانه و خردورزانه می‌داند. او در بخش درآمد از زندگی زیسته خویش و هم‌سنلانش به‌مثابه روندی از تجربه‌های کوبنده یاد می‌کند. او پافشاری کرده که نوشته درباره «هویت‌ایران» است نه هویت ایرانیان.

نویسنده کوشیده است به دوگانه‌هایی مانند پاک‌بازی در برابر خودکامی، میهن‌نوازی و پاک‌دلی در برابر سودجویی، خودآفرینی و بازسازی در برابر ویرانی‌پیرداد و بارها می‌پرسد آیا در وضعیت کنونی جامعه و کشور ما گفتن از شرم، راست‌گویی و رادمثنشی ساده‌دلانه یا خیال‌پردازانه شده است؟ او باور دارد آنچه از این سرزمین، پژوهیستی و فرهنگی، برج‌مانده هنوز هم سرمایه‌ای بزرگ و کارا برای بازشناسی و بازسازی هویت ایران است.

گفتار نخست زمینه‌پردازی، درباره بازشناسی چیستی و چگونگی، گونه‌ها و خویشاوندی‌ها و ما-دیگران است. از دیدگاه نویسنده بهروزی دادگرانه هم‌میهنان در گرو پیوندهای ملی و همکاری برای آبادی، شادی و سربلندی مردم و البته نیازمند چیزی بر پندارهای قوم‌ستایانه یا نژادباورانه و سودای خودبرتریینی است. در گفتار دو پهنه ایران‌زمین، پیام‌های شکست‌های تاریخی به‌ویژه یورش‌های قوم و قبيله‌های همسایه و فرازهایی از ایران‌آگاهی بازگو شده است. در پی آن در گفتار سه به خوی و منش ما، توجه‌هایی دوگانه، سرشت و سرنوشت یا کرینش و مسئولیت و سپس منش یا هویت پرداخته می‌شود. بازخوانی تجربه پادشاهی و مشروطه در پیوند با برخی ویژگی‌های فردی و گروهی آسیب‌رسان، مانند فریب‌کاری و دورویی و به‌ویژه خرده‌گیری‌های کنش‌گران سیاسی و فرهنگی انجام شده است. در گفتار چهار گونه‌های ملی‌گرا/گری اقتدارگرا و مدنی، جایگاه مردم و سرگذشت برخی چهره‌های برجسته تاریخی بازشناسی شده است. در گفتارهای پس از این، پنج و شش، به فرهنگ، پایداری، هویت، زبان، ادبیات و شعر، ایران و ایران، سنت‌پذیری و سنت‌گریزی و سنت‌گریزی و همچنین گستره فرهنگی ایران و زبان فارسی از هند تا ترکیه پرداخته می‌شود. در گفتار هفت، قبيله ما اشاره‌هایی به ملی‌گرایی در ایران پیش از روندها و جنبش‌های اروپایی شده و با اینکه چالش‌های امروز ایران بازگو شده ولی نویسنده می‌کوشد هر دو رویه ساختن یک ایران رزین خیالی و هم ناچیز یا ستمگرانه نشان‌دادن وضعیت ایران کهن را کاستی‌جویی(نقد) کند. عظیمی در گفتار هشتم کوشیده دستاویزهای مختلف را بازشناسی و کاستی‌جویی کند و به رویارویی‌های کشت‌وکار منطقه با ایران امروز هم پرداخته است. در گفتار واپسین نویسنده چالش‌ها و هشدارها را پیش چشم آورده است. او پیام‌های ویرانگر سیاست‌های سردمداران توده‌گرایی کمونیستی و همچنین آسیب‌های سرمایه‌سالاری می‌مهار و خودکامکی‌های جرگه‌سالارانه را بازشناسی می‌کند و همچنین از دستاوردهای مردم‌سالاری می‌گوید. او پافشاری دارد اگرچه کارکرد و نقش طبقه متوسط برای بازسازی هویتی و پیوند با ملیت برجسته است ولی به تعامل‌های میان لایه فرادست با قدرت حاکم، دادوستد سرمایه و قدرت، باید توجه داشت. در پایان نویسنده با کاستی‌جویی از ملی‌گرا/گری افراطی، یا هر آرمان دیگری، ارزندگی گوهر هستی، سرمایه‌های فرهنگی و بهزیستی همگانی را برجسته می‌کند. او به‌روشنی می‌گوید جهان-میهنی یا آرمان‌های فرامیهنی افراطی و از سوی دیگر بومی‌گری افراطی، تنگ‌نگر، دگره‌رسانه و بیگانه‌ستیزانه در برابر هم در دو قطب رودرو نیستند بلکه هم‌زاد هم هستند. به باور او انبوه مردم در جست‌وجوی ریشه‌ها و پناهگاه‌هایی هستند که هویت ملی می‌تواند فراهم کند تا در هم‌زیستی فرهنگی بتوان با چشمه‌ساران و افق‌هایی دیگر پیوند یافت. راه و روش این کار در دیوارکشدین میان خود و دیگران نیست بلکه نیازمند بازشناسی حق انسانی مردم و پیدایشی به بهبود زندگی ممکن است و چنین موقعیتی نمی‌تواند بدون پرداختن به هویت ایران و هویت ایرانی به دست آید.